

مناسبات تجارت غیررسمی و استراتژی‌های ماندگاری
(تجارب زیسته فعالان نواحی مرزی سقز و بانه)*
مهدی قادری^۱، یعقوب احمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

چکیده

فعالیت‌های تجاری غیررسمی در نواحی مرزی، ماهیتی مخاطره‌آمیز و چالش‌برانگیز دارند. نحوه مواجهه با مخاطرات و چالش‌های این پدیده و تداوم این فعالیت‌ها نیازمند به‌کارگیری قواعد و روش‌های خاصی است. هدف از این پژوهش، مطالعه شیوه‌های مواجهه با مخاطرات و چگونگی بقا و تداوم فعالیت‌های تجاری غیررسمی در نواحی مرزی سقز و بانه توسط فعالان دخیل در این عرصه است. از روش مردم‌نگاری و فن مصاحبه و مشاهده برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه، با ۵۵ نفر از مطلعان کلیدی (شامل کولبران، کاسبان عمده، کاسب‌کاران سطح خرد و رانندگان) به عمل آمد تا اشباع نظری حاصل شود. با استناد به نظر پاسخگویان، ده مقوله محوری به این شرح به دست آمده است: محیط طبیعی ابزارگریز، اتکا به مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی، حمایت و یکپارچگی گروهی، نوآوری و خلاقیت، کاربست ترفندهای راهبردی، توافق با مأموران، مشروعیت اجتماعی-فرهنگی کالا، توسل ابزاری به باورهای دینی، انتفاع و سودانگاری شخصی، و مقاومت‌های قهری و توسل به خشونت. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد این ترفندها که از آن‌ها می‌توان به‌عنوان «راهبردهای بقا و تداوم فعالیت‌های تجاری غیررسمی در نواحی مرزی» نام برد، محصول تجارب زیسته، شرایط اقتصادی-اجتماعی، ساختار طبیعی مناطق مرزی و منابع و امکانات در دسترس هستند؛ بنابراین شانس‌ها و فرصت‌های را در اختیار فعالان می‌نهند و تاب‌آوری آنان را در برابر پیامدهای احتمالی مخاطرات افزایش می‌دهند. واژه‌های کلیدی: تجارت غیررسمی، مخاطرات، مقاومت‌های قهری، راهبردهای بقا و تداوم، سقز و بانه.

*مقاله پژوهشی، مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «مطالعه بازنمایی معنایی قاچاق کالا از دیدگاه قاچاقچیان کالا در استان کردستان: سقز و بانه»، با حمایت مالی دفتر تحقیقات کاربردی انتظامی استان کردستان.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m_ghaderi@pnu.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، yahmady@pnu.ac.ir

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 14, No. 1, Springer and Summer 2022

Informal Trading Relationships and Sustainability Strategies (Lived Experiences of Activists in the Border Areas of Saqqez and Baneh)*

Mehdi Ghaderi¹, Yaghoub Ahmadi²

Received: January 23, 2022 Accepted: July 16, 2022

Abstract

Informal trading activities in border regions are inherently risky and challenging. Special rules and methods are needed to deal with the dangers and challenges of this phenomenon and to continue these activities. This study aimed to investigate how activists in the Saqqez and Baneh border regions continue their informal trading activities and how they deal with the risks involved. Data were collected using the ethnographic method, interviews, and observation techniques. Through the purposive sampling method, 55 key informants, including kulbars, wholesalers, retailers, and drivers, were interviewed to achieve theoretical saturation. Based on respondents' comments, the following 10 key categories were identified: Use of natural and environmental features as a means of escape; reliance on personal skills and abilities; group support and integration; innovation and creativity; use of strategic tricks; compromise with police; sociocultural legitimacy of the commodity; instrumental use of religious beliefs; personal profit and speculation; forced resistance; and use of violence. The analysis of the results showed that these tricks, which could be called "strategies for the survival and continuation of informal trading activities in border regions", are the result of lived experiences, socio-economic conditions, the natural structure of border regions, and available resources and facilities; therefore, they provide opportunities for activists and increase their resilience to the possible consequences of risks.

Keywords: Informal Trade, Resistance, Survival and Continuity Strategies, Saqqez and Baneh.

* Research article from a research project titled "A Study of Semantic Representation of Smuggling from the point of View of Smugglers in Kurdistan Province (Saghez and Baneh)" funded by the Kurdistan Province Police Applied Research Office.

1. Assistant professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran, m_ghaderi@pnu.ac.ir

2. Associate professor, Department of Social Science, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran (Corresponding author), yahmady@pnu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مرزها یکی از عوامل اصلی تحدید فضایی هستند که تجربه‌های خاصی را برای مردمان مناطق مرزی ایجاد می‌کنند. این امر بیانگر این است که مرزها همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، گذشته از مفهوم سیاسی خود، جنبه‌ای قویاً ادراکی دارند که در جریان زندگی روزمره شکل می‌گیرند؛ صرف‌نظر از اینکه می‌توان مرزها را پدیده‌های قراردادی دانست و بنابراین هرگونه پیامد آن نیز اجتناب‌ناپذیر است؛ در وضعیت کنونی، یک مرز سازمان‌یافته می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای ساکنان آن فراهم کند. این چالش‌ها و فرصت‌ها یا ذاتی مناطق مرزی‌اند یا اینکه در نتیجه شیوه سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده در این مناطق به‌وجود آمده‌اند (ذکایی و نوری، ۱۳۹۴: ۱۰۷). در مناطق مرزی، بنا به دلایلی از جمله همگنی‌های اکولوژیکی (ویژگی‌های محیطی خاص)، قرابت‌های فرهنگی با مردمان آن‌سوی مرزها و نارسایی‌های داخلی مانند محدودیت‌های منابع اشتغال رسمی، توزیع ناعادلانه امکانات، ناکارآمدی نهاد اقتصادی، سیاست‌های توسعه‌ای مرکز‌محور و رویکردهای امنیتی ضدتوسعه که پیامد آن محروم‌سازی و توسعه‌نیافتگی این مناطق است، فرصت‌ها و منابع محدودی برای اشتغال رسمی فراهم است و به‌ناچار توسل به تجارت غیررسمی (غیرقانونی) تأمین‌کننده بخشی از نیازهای اساسی مرزنیسان است. استان کردستان یکی از استان‌های مرزی است که ۲۲۷ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد و این ارتباط مرزی از طریق شهرستان‌های سقز، بانه و میوان برقرار است. به همین دلیل در مناطق مرزی این استان، مراودات تجاری غیررسمی، کنش اقتصادی غالب و متداول است و در آشکال متفاوت توسط افراد و گروه‌های خاصی از جمله کولبران، رانندگان، کاسبان عمده و کاسب‌کاران سطح خرد صورت می‌پذیرد. صرف‌نظر از مزایا و منافع حاصل از آن توسط برخی افراد و گروه‌ها، اتخاذ این شیوه معاش و کسب درآمد از این طریق، درآمیخته با مصائب، رنج‌ها و خطراتی است که مدام حیات اجتماعی مرزنیسان و کنشگران درگیر در این پدیده را تهدید می‌کند و القاکننده ناامنی و نااطمینانی در میان آنان است. ترس از دست‌دادن جان، گیرافتادن به دست مأموران، رفتن روی مین، خطرات ناشی از تغییرات جوی (برف و کولاک، بهم‌ن و سرما و یخبندان)، ضبط و مصادره کالا، اضطراب، استرس، ترس شدید و... نمونه‌هایی از این موارد

هستند که اکثر کنشگرانی که اقدام به ورود و خروج یا حمل غیرقانونی کالاها در نواحی مرزی می‌کنند، در زیست روزمره خود به صورت مداوم و مکرر آن را تجربه می‌کنند.

بنابراین، فضای حاکم بر مبادلات اقتصادی غیررسمی در نواحی مرزی «فضایی مخاطره‌آفرین» است. این فضا که مملو از رنج و ناملایمت است، آسیب‌های احتمالی چالش‌برانگیزی از جمله خطرات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی (احمدی، ۱۴۰۰) و حتی مخاطرات زیست‌محیطی (ظهیری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶) را به همراه دارد. اما مسئله اصلی این است که به‌رغم تبعات گسترده مصائب پیش‌رو، نه‌تنها این سنخ از فعالیت‌های اقتصادی در میان مرزنشینان در حال افول نیست، بلکه ابعاد آن روزبه‌روز پیچیده و گسترده‌تر می‌شود؛ آن هم به‌گونه‌ای که ورود افراد کم‌سال و قشرهای گوناگونی از جمله زنان، دانشجویان و دانش‌آموزان در این عرصه نمایان است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به ابعاد گسترده این تهدیدات، چه عواملی سبب رشد و تداوم این سنخ از فعالیت‌ها می‌شود و سازوکار مقابله و رویارویی با این تهدیدات چیست. از آنجا که تهدیدات پیش‌روی مرزنشینان متأثر از فضای جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی خاصی است که محصول زیستن در نقاط مرزی و شیوه اقتصاد غیررسمی است، ساکنان این مناطق به‌منظور تداوم فعالیت‌هایشان، نیازمند به‌کارگیری قواعد و شیوه‌های مناسبی برای کاهش تبعات آن هستند. شناخت صحیح این قواعد و فهم متناسب درباره چگونگی معنابخشی این سازوکارها امری پیچیده است و دقت ویژه‌ای را می‌طلبد. بر این مبنای، این پژوهش نه در پی پرداختن به دلایل و چرایی گرایش مرزنشینان به فعالیت‌های تجاری غیررسمی و پیامدهای حاصل از آن، بلکه به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که نحوه مواجهه افراد دخیل در فعالیت‌های تجاری غیررسمی با تهدیدات پیش‌رو بر چه مبنایی است. به سخن دیگر، فعالان درگیر در این پدیده برای کم‌اثرکردن و خنثی‌سازی این تهدیدات، رنج‌ها و مخاطرات پیش‌رو، معمولاً چه نوع شگردهایی را اتخاذ و آن‌ها را در زندگی روزانه خود چگونه معنا و تفسیر می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی درباره مخاطرات و مواجهات فعالان حوزه تجارت غیررسمی به‌ویژه تجربه زیسته افراد درگیر در آن انجام نشده است. یافته‌های مطالعه احمدی (۱۴۰۰) با عنوان

«آسیب‌شناسی اجتماعی-اقتصادی و امنیتی پدیده کولبری در استان کردستان» نشان داده است که کولبران به شدت در معرض مخاطرات و آسیب‌های گوناگونی (اقتصادی، اجتماعی و امنیتی) هستند و این مخاطرات، هم ساکنان نواحی مرزی و هم حاکمیت را تهدید می‌کند. پژوهش زارع شاه‌آبادی و محمدی (۱۴۰۰) با عنوان «مطالعه درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه» نشان داد پدیده کولبری رفتاری پرمخاطره است. این پدیده از منظر کولبران با مضامین و مقوله‌هایی مانند خطرپذیری بقا، مسخ اجتماعی، فرسودگی شغلی، ازخودبیگانگی، مشروعیت‌سازی و نارضایتی خانوادگی درک و فهم می‌شود. عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) در مطالعه «برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)» نشان دادند پرداختن به تجارت غیررسمی در قالب کولبری محصول انتخاب مرزنشینان غرب کشور نبوده و تحت تأثیر عواملی مانند فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین، احساس تبعیض ساختاری، جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری، بازتولید جبری مرز، عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا، رایج شدن سرمایه‌داری رانتی در نبود سرمایه‌داری صنعتی و احساس طرد اقتصادی و فرهنگی بوده است. اولایوولا جاواندو^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های بقای زنان در تجارت فرامرزی غیررسمی در امتداد محور مرزی لاگوس-سمه» در آفریقا به مطالعه و بررسی راهبردهای مقابله‌ای زنان در برابر مخاطرات پرداختند. این مطالعه وضعیت اسفبار زنان درگیر در تجارت فرامرزی و ناامیدی آن‌ها برای زنده ماندن و تلاش برای ایجاد منابع درآمد اضافی برای خانواده را به تصویر می‌کشد و راهبردهایی از جمله توافق/کنارآمدن با مأموران گمرک و سایر کارکنان امنیتی، پرداخت وجه اضافی به رانندگان برای رشوه‌دادن به مأموران امنیتی و جابه‌جایی کالا در میان انواع ماشین‌ها برای درمان‌ماندن در نقاط بازرسی را توسط زنان برای تداوم فعالیت و حفظ بقا شناسایی کردند.

مروری اجمالی بر مطالعات قبلی در حوزه مرز، تجارت غیررسمی و اقتصاد پنهان نشان می‌دهد پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها صرفاً به زمینه‌ها و علل روی آوردن ساکنان نواحی مرزی به فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی پرداخته‌اند.

عده‌ای نیز گرچه تلاش کرده‌اند با مطالعه شیوه زیست روزمره ساکنان این مناطق و مراجعه به اذهان سوژه‌ها و کنشگران درگیر در کولبری و قاچاق کالا، تصویر دقیق‌تری از واقعیات موجود ارائه دهند، هیچ‌کس از آن‌ها شیوه‌های مواجهه فعالان این عرصه با مخاطرات و تهدیدات پیش‌رو حین مبادرت را مطالعه نکرده‌اند. جنبه نوآورانه این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین این است که نه در پی پرداختن به علل و زمینه‌های گرایش به فعالیت‌های تجاری غیررسمی است و نه به دنبال ارزیابی پیامدهای حاصل از آن. بلکه با فرض وجود گسترده این پدیده در مناطق مرزی، در جست‌وجوی فهم همدلانه و درک شیوه‌های مواجهه کنشگران با مخاطرات پیش‌رو و نحوه معنادهی و تفسیر آنان از این پدیده است.

چارچوب مفهومی

بنیان پژوهش حاضر روش‌شناسی کیفی است و با توجه به مبانی فلسفی-پارادیمیک روش‌شناسی کیفی، نظریه‌ها غالباً چراغ‌راهنما و نقش مکمل را ایفا می‌کنند و هدف از به‌کارگیری آن‌ها ایجاد حساسیت نظری-مفهومی و یاری محققان در باب مسئله پژوهش است. با تأکید بر رهیافت اتخاذشده در این پژوهش (برساختی-تفسیری) تلاش بر این بوده است که مفاهیم و رویکردهای نظری که بیشترین سنخیت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی را با رهیافت پیش‌رو دارند، استفاده شوند. یکی از این رویکردها، در تنوع استراتژی بقا قابل‌بازخوانی است. استراتژی‌های بقا به‌عنوان پاسخ‌های خاص به استرس تعریف می‌شوند که شامل مؤلفه‌های خاص سازگارانه و ناسازگار، بیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی است. همچنین به مکانیسم‌هایی اشاره دارد که افراد برای مبارزه و زندگی در یک مصیبت به‌کار می‌گیرند. به‌طورکلی، راهبردهای بقا، شناسایی، نام‌گذاری و معنابخشیدن به توالی متنوع، رویدادهای آسیب‌زا را قابل‌تحمل‌تر می‌کنند (والنت^۱، ۱۹۹۸). عوامل اجتماعی انواع مختلفی از راهبردهای بقا را هنگام مواجهه با خطر اتخاذ می‌کنند. طبق دسته‌بندی‌های انجام‌شده، هشت نوع استراتژی بقا شامل موارد زیر هستند: ۱. نجات: این راهبرد بقا با ارزیابی «باید نجات دیگران» را برانگیخت شامل حفاظت و تدارک است؛ ۲. دلبستگی: شامل پیوند با یک مراقب خاص برای عملکرد محافظت و آموزش مهارت‌های بقا است؛ ۳. ادعا: این راهبرد بقا شامل اقدام و انجام هر

1. Valent

کاری برای رسیدن به یک هدف است؛ ۴. سازگاری: این راهبرد به تسلیم شدن در برابر شرایط طاقت‌فرسا اشاره دارد (سلی^۱، ۱۹۷۳)؛ ۵. جنگ (مبارزه): این راهبرد با نیاز به حذف خطر برانگیخته می‌شود؛ ۶. گریز: در این راهبرد، تأکید بر اجتناب از خطری و فرار از خطر است؛ ۷. رقابت: رقابت با نیاز به دستیابی به ضروریات کمیاب برانگیخته می‌شود؛ ۸. همکاری: با نیاز به ایجاد منابع ترسناک برانگیخته می‌شود. این هشت راهبرد بقا ممکن است به صورت جداگانه یا در طیف گسترده‌ای از ترکیبات عمل کنند و ممکن است در ترکیبات مختلف بسیار انعطاف‌پذیر شوند (والنت، ۱۹۹۸).

رویکرد و نظریه عقلانیت و کنش عقلانی نیز از جمله رهیافت‌هایی است که می‌تواند تبیین‌کننده کنش‌های کارگزاران امور در حین فعالیت باشد و از جمله در این مورد خاص می‌تواند چرایی انتخاب‌های کنشی در موقعیت‌های متفاوت را توضیح دهد. در این زمینه، ایده و مدل «عقلانیت محدود»^۲ هربرت سایمون بر این رویکرد استوار است که انسان‌ها ظرفیت‌های ذهنی مناسب را برای دستیابی به بسیاری از اهداف خود ندارند و رفتار آن‌ها «حداکثرسازی» نیست، بلکه تنها امیال خود را در حد رضایت برآورده می‌سازند (سایمون^۳، ۱۹۸۷). این مدل به‌صراحت مبتنی بر یک دیدگاه واقع‌بینانه‌تر در مورد ظرفیت‌های شناختی انسان‌ها است (انگلن^۴، ۲۰۰۷: ۲۱). سایمون بر پایه مدل عقلانیت محدود استدلال می‌کند که افراد می‌توانند به‌طور محدود عقلانی باشند، عقلانیت محدود به این موضوع اشاره دارد که افراد هنگام تصمیم‌گیری، نه تنها با محدودیت‌های پردازش اطلاعات و ظرفیت محدود محاسباتی مغز مواجه‌اند، بلکه از نظر دسترسی به اطلاعات مربوط نیز محدودیت دارند (آلتمن^۵، ۲۰۱۲: ۱۴۷). از نظر سایمون، انتخاب‌ها همواره در بستری شکل می‌گیرند که از سوی افراد به شیوه خاصی درک می‌شوند. افراد همیشه انتخاب‌های خود را با تمرکز بر جنبه‌های خاصی از گزینه‌ها قالب‌بندی می‌کنند که تضمین می‌کند اطلاعات به‌خوبی سامان‌دهی شده‌اند (تورسکی و کاهنمان^۶، ۱۹۸۱: ۴۵۳). با گذر زمان، افراد فرایند تصمیم‌گیری و میانبرهای تصمیم‌گیری خود (معروف به روش‌های اکتشافی)

-
1. Selye
 2. Bounded Rationality
 3. Simon
 4. Engelen
 5. Altman
 6. Tversky & Kahneman

را که با توجه به محدودیت‌های فیزیولوژیکی و محیطی عقلانی هستند، ارتقا می‌دهند. این میانبرهای انحرافی تصمیم‌گیری، اغلب به‌طور مؤثر و کارآمدی وظیفه خود را انجام می‌دهند (آلتمن، ۲۰۱۲: ۱۴۷). افراد برای تصمیم‌گیری از روش‌های اکتشافی خاص استفاده می‌کنند. این روش‌های اکتشافی سازوکارهای ساده و ذهنی هستند که هرگاه افراد با حل مسئله مواجه‌اند، اغلب به‌صورت شهودی ظاهر می‌شوند. منظور از روش اکتشافی این است که افراد هنگامی که با حجم زیادی از اطلاعات، ناامنی زیاد و محدودیت زمانی واقع‌گرایانه مواجه‌اند، برای تصمیم‌گیری از قواعد سرانگشتی^۱ ساده، اغلب به شکل ناآگاهانه استفاده می‌کنند (ویلکسون و کلائس، ۲۰۱۲: ۸). عقلانیت محدود بخشی از آن چیزی است که سایمون از آن با عنوان عقلانیت آیینی (رویه‌ای) یاد می‌کند (آلتمن، ۲۰۱۲: ۱۴۸). منظور از «عمل رویه‌ای» هر نوع عملی است که توسط یک قاعده سرانگشتی و نه محاسبه بهینه‌سازی راهنمایی می‌شود. از نگاه این رویکرد، عاملان هنگامی رویه‌ای رفتار می‌کنند که کار بهینه‌سازی با قدرت محاسباتی محدود مواجه می‌شود و آن‌ها ناچار می‌شوند در عوض بر رویه‌ها تکیه کنند. افراد به دلیل ظرفیت‌های محدود خود، برای مقابله با پیچیدگی‌های جهانی که در آن زندگی می‌کنند، تمایل دارند در مورد چگونگی عمل، بر قواعد و توافقی‌هایی اتکا کنند که در هنجارها، سنت‌ها و عاداتی تعبیه شده‌اند که به‌لحاظ فرهنگی به ارث رسیده‌اند. به عبارت دیگر، رفتار رویه‌ای به‌عنوان عملی تعریف می‌شود که ناشی از به‌کارگیری رویه‌ها یا قواعد سرانگشتی است. این قواعد را نمی‌توان براساس عقلانیت ابزاری صرف توضیح داد و اغلب از سوی عاملان زیادی به‌طور مشترک به‌کار گرفته می‌شوند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲).

علاوه بر آن، ایده «نظریه چشم‌انداز» (تورسکی و کاهنمان، ۱۳۹۱) به تمرکز بر کنش در شرایط مخاطره و نااطیمانی اشاره دارد که: ۱. افراد مخاطره‌گریز و زیان‌گریز هستند. بدین معنا که در تلاش برای حداقل کردن مخاطره هستند و منفعت خالص انتظاری را حداکثر نمی‌کنند و برای افزایش منافع نسبت به عدم زیان، ارزش کمتری قائل هستند؛ ۲. افراد قادر به نسبت دادن احتمالات درست به پیامدهای مختلف نیستند (تورسکی و فاکس^۲، ۱۹۹۵)؛ و ۳. تصمیم‌های افراد معمولاً تحت تأثیر اثر قالب‌بندی است (فوکاکاوالیراکی و هاتزیس^۳، ۲۰۱۱: ۱۷). بدین

1. Rule of thumb
 2. Tversky & Fox
 3. Foka-Kavalieraki & Hatzis

معنی که شیوه قرارگیری اطلاعات قبل از آنکه افراد آن‌ها را دریافت کنند، می‌تواند بر ترجیحات و انتخاب‌های آن‌ها اثر بگذارد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد مسلط در این پژوهش، روش‌شناسی کیفی است. از جمله دلایل به‌کارگیری این رویکرد روش‌شناختی، مطابقت آن با پارادایم برساختی-تفسیری است. همچنین در این تحقیق، نحوه مواجهه کنشگران با مخاطرات پیش‌روی تجارت غیررسمی در نقاط مرزی به‌مثابه کنش اجتماعی معنادار در نظر گرفته شده است؛ کنشی که در ارتباط با تعاملات اجتماع، معانی بین‌الذهانی و متأثر از شرایط محیطی و ساختاری است. در این راستا، از روش مردم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق بهره گرفته شده است. مردم‌نگاری یکی از روش‌های کیفی است که به درک و فهم بسترمند فرآیندهای اجتماعی و ماهیت ذهنی و بین‌ذهنی زندگی انسانی می‌پردازد. این روش درصدد تفسیر و تشریح معانی و مفاهیم مربوط به رویدادها و وقایع اجتماعی برای آن دسته از کسانی است که این رویدادها را تجربه کرده‌اند و با آن‌ها درگیرند (اشتراوس و کوربین^۱، ۱۹۹۸). میدان مورد مطالعه در این پژوهش، مناطق مرزی شهرستان‌های سقز و بانه واقع در استان کردستان است. این دو منطقه از جمله مناطق مهم و مرزی استان هستند و هر دو نیز دارای بازارچه مرزی و راه‌ها و مسیرهای فرعی منتهی به مرزهای کشور عراق هستند.^۲ برای انتخاب نمونه‌ها، آن دسته از فعالانی که در عرصه اقتصاد غیررسمی در این مناطق مشغول فعالیت بوده‌اند مدنظر بوده است. براین‌اساس، مشارکت‌کنندگان این پژوهش، شامل آن دسته از کنشگران فعال بومی در مناطق سقز و بانه (شامل کولبران، کاسبان عمده، کاسب‌کاران سطح خرد و رانندگان) در زمینه اقتصاد غیررسمی بوده‌اند که ۵۵ نفر از مطلعان کلیدی یا دروازه‌بانان خبری

1. Strauss & Corbin

۲. شهرستان سقز دارای بازارچه تجاری مهمی به اسم «بازارچه سیف» است. مرز سیف حدود ۷۵ کیلومتر با شهر سقز فاصله دارد و در مسیر شهرستان مریوان، نزدیک روستای «بسطام» بخش «سرشیو» قرار دارد. شهرستان بانه به‌واسطه داشتن مرز مشترک بیشتر با کشور عراق نسبت به شهرستان سقز، دارای معابر، گذرگاه‌ها و مسیرهای متعدد ارتباطی بیشتری برای انجام مبادلات تجاری رسمی و غیررسمی است. بازارچه‌های موقت مرزی «هنگه ژال» و «گله‌سوره» همراه با بازارچه رسمی «سیران‌بند» از جمله مهم‌ترین این موارد هستند.

شامل کاسبان عمده (۱۵ نفر)، کاسب کاران سطح خرد (۹ نفر)، کولبران (۱۰ نفر) و رانندگان انواع ماشین‌ها (۲۱ نفر) به شیوه نمونه‌گیری کیفی-نظری و تعمدی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. بر پایه این شیوه، افراد کلیدی و مطلع، و مرتبط‌ترین اسناد به همراه مشاهدات میدانی مطالعه شده‌اند تا از این طریق، اشباع نظری حاصل شود.

یافته‌های پژوهش

سیمای مشارکت‌کنندگان پژوهش

در این پژوهش، ۵۵ نفر مطالعه شدند. مشارکت‌کنندگان طیف متنوعی از فعالان عمده (۱۵ نفر)، فعالان سطح خرد (۹ نفر)، کولبران (۱۰ نفر) و رانندگان انواع ماشین‌ها (۲۱ نفر شامل رانندگان تویوتا، پژو، سمند، پرادو، زانتیا و اتوبوس) که به‌صورت مستقیم مشغول فعالیت بودند را دربرگرفته‌اند. جزئیات وضعیت و کیفیت پاسخگویان در جدول ۱ به‌خوبی نمایان است.

جدول ۱. مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	وضعیت تاهل	تحصیلات	سابقه کار قاچاق	دفعات دستگیری	میزان و نوع خدمات و جراحات فیزیکی
۱	کاسب عمده (مشروبات الکلی)	۲۵	متاهل	سیکل	۱۳ سال	۲ بار	-
۲	کاسب عمده (مشروبات الکلی)	۳۸	بیوه	راهنمایی	۹ سال	۳ بار	-
۳	کاسب عمده (مشروبات الکلی)	۳۰	متاهل	سیکل	۱۲ سال	-	-
۴	کاسب عمده/راننده (پوشاک، مشروبات الکلی، شکلات)	۳۶	متاهل	سیکل	۱۱ سال	۴ بار	دو بار (شکستگی پا، جراحی و گذاشتن پلاتین)
۵	کاسب عمده (مشروبات الکلی)	۳۹	متاهل	دیپلم	۲۴ سال	۸ بار	تصادف و شکستگی فک

ادامه جدول ۱. مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	سابقه کار قاچاق	دفعات دستگیری	میزان و نوع صدمات و جراحات فیزیکی
۶	کاسب عمده (مشرویات الکلی)	۲۶	مجرد	لیسانس	۱۰ سال	۸ بار	شکستگی سر، دست و پا
۷	کاسب عمده (مشرویات الکلی / لوازم کم حجم و پر درآمد)	۲۶	مجرد	لیسانس	۷ سال	۳ بار	شکستگی سر، بینی، انگشت دست
۸	کاسب عمده (لوازم خانگی)	۴۸	متأهل	دیپلم	۱۵ سال	-	-
۹	کاسب عمده (مشرویات الکلی)	۳۸	مطلقه	دیپلم	۲۰ سال	۱ بار	تصادف، شکستگی دست، جراحات صورت
۱۰	کاسب عمده (لوازم خانگی، پارچه)	۳۵	متأهل	لیسانس	۱۵ سال	۱۲ بار	-
۱۱	کاسب عمده (لوازم آرایشی)	۳۷	مجرد	دیپلم	۱۲ سال	-	-
۱۲	کاسب عمده (لوازم آشپزخانه)	۲۵	متأهل	کاردانی	۷ سال	۳ بار	-
۱۳	کاسب عمده (وسایل خودرو)	۳۰	متأهل	دیپلم	۶ سال	-	-
۱۴	کاسب عمده (ابزارآلات صنعتی)	۳۸	متأهل	متوسطه	۱۲ سال	-	-
۱۵	کاسب عمده (وسایل لوکس و کریستال)	۲۹	متأهل	دیپلم	۱۲ سال	۸ بار	-
۱۶	کاسب سطح خرد	۳۰	متأهل	فوق دیپلم	۲ سال	-	-
۱۷	کاسب سطح خرد	۴۵	متأهل	ابتدایی	۱۵ سال	-	شکستگی دست
۱۸	کاسب سطح خرد	۳۰	متأهل	سیکل	۴ سال	۶ بار	زخمی شدن و شکستگی سر و صورت

ادامه جدول ۱. مشخصات و ویژگی های مصاحبه شوندهگان پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	سابقه کار قاچاق	دفعات دستگیری	میزان و نوع صدمات و جراحات فیزیکی
۱۹	کاسب سطح خرد	۵۰	متأهل	سیکل	۱۰ سال	۴ بار	-
۲۰	کاسب سطح خرد	۳۵	متأهل	راهنمایی	۱۰ سال	بیش از ۵۰ بار	دیسک کمر به دلیل حمل بار سنگین
۲۱	کاسب سطح خرد	۳۰	متأهل	سیکل	۱۰ سال	۱ بار	-
۲۲	کاسب سطح خرد	۳۱	مجرد	لیسانس	۵ سال	۵ بار	-
۲۳	کاسب سطح خرد	۲۷	مجرد	سیکل	۲ سال	-	-
۲۴	کاسب سطح خرد	۳۰	متأهل	دیپلم	۷ سال	۳	-
۲۵	راننده تویوتا	۲۹	مجرد	دوم دبیرستان	۱۰ سال	۵ بار	آسیب دیدگی سر و صورت
۲۶	راننده تویوتا	۳۱	متأهل	پنجم ابتدایی	۸ سال	۳ بار	شکستگی مچ دست و بینی
۲۷	راننده تویوتا	۲۴	مجرد	لیسانس	۲ سال	۲ بار	-
۲۸	راننده تویوتا	۵۰	متأهل	بی سواد	۲۰ سال	۸ بار	-
۲۹	راننده تویوتا	۲۸	مجرد	اول راهنمایی	۱۰ سال	-	-
۳۰	راننده پژو ۴۰۵	۳۸	متأهل	ابتدایی	۱۵ سال	۳ بار	شکستگی دست و پا
۳۱	راننده پژو ۴۰۵	۲۵	متأهل	دیپلم	۲ سال	۳ بار	-
۳۲	راننده پژو ۴۰۵	۲۳	متأهل	اول راهنمایی	۵ سال	۱ بار	-
۳۳	راننده پژو جی ال ایکس	۳۵	متأهل	ابتدایی	۸ سال	۴ بار	-
۳۴	راننده پژو جی ال ایکس	۳۰	متأهل	راهنمایی	۱۰ سال	بیش از ۴۰ بار	-
۳۵	راننده پژو پارس	۲۷	متأهل	چهارم ابتدایی	۵ سال	۵ بار	-

ادامه جدول ۱. مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	سابقه کار قاچاق	دفعات دستگیری	میزان و نوع صدمات و جراحات فیزیکی
۳۶	راننده پژو پارس	۴۰	متأهل	سیکل	۱۲ سال	۵ بار	شکستگی پا و گذاشتن پلاتین
۳۷	راننده سمند	۳۳	متأهل	پنجم ابتدایی	۹ سال	۶	-
۳۸	راننده سمند	۲۴	مجرد	دیپلم	۵ سال	۱ بار	-
۳۹	راننده اتوبوس	۲۶	مجرد	متوسطه	۵ سال	۳ بار	-
۴۰	راننده اتوبوس	۵۲	متأهل	دیپلم	۱۰ سال	۷ بار	شکستگی سر و صورت
۴۱	راننده اتوبوس	۳۷	متأهل	سیکل	۱۵ سال	بیش از ۱۰۰ بار	شکستگی دنده، سر و دست
۴۲	راننده کامیون	۴۶	متأهل	دیپلم	۱۳ سال	۳ بار	-
۴۳	راننده پرادو	۳۵	متأهل	فوق‌دیپلم	۸ سال	۲ بار	-
۴۴	راننده زانتیا	۳۴	متأهل	دیپلم	۶ سال	۲ بار	شکستگی فک، صورت و کتف
۴۵	راننده زانتیا	۳۴	متأهل	بی‌سواد	۲۵ سال	۳ بار	شکستگی دست و پا و گذاشتن پلاتین
۴۶	کولبر	۳۳	متأهل	چهارم ابتدایی	۱۰ سال	۲ بار	دورفتگی پا
۴۷	کولبر	۲۶	متأهل	سیکل	۷ سال	-	دورفتگی پا، کمر درد شدید
۴۸	کولبر	۴۶	متأهل	ابتدایی	۱۵ سال	۱ بار	رفتن روی مین (قطع پا)
۴۹	کولبر	۴۲	متأهل	ابتدایی	۳ سال	۱ بار	-
۵۰	کولبر	۵۵	متأهل	بی‌سواد	۲۲ سال	۳ بار	سقوط از صخره (شکستگی پا)

ادامه جدول ۱. مشخصات و ویژگی های مصاحبه شوندهگان پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	سابقه کار قاچاق	دفعات دستگیری	میزان و نوع صدمات و جراحات فیزیکی
۵۱	کولبر	۳۲	مجرد	لیسانس	۴ سال	-	-
۵۲	کولبر	۴۳	متأهل	سیکل	۷ سال	۲ بار	آسیب دیدگی کمر، زانودرد
۵۳	کولبر	۲۴	مجرد	دیپلم	۵ سال	-	-
۵۴	کولبر	۶۲	متأهل	بی سواد	۲۲ سال	۱۱ بار	-
۵۵	کولبر	۴۶	متأهل	ابتدایی	۱۲ سال	۵ بار	رفتن روی مین (جراحی بدنی شدید، ازدست دادن چشم راست)

در ادامه، تفسیر یافته های حاصل از مصاحبه های عمیق و بررسی های میدانی در قالب مقوله های اصلی و توضیحات درباره نحوه مواجهه با مخاطرات و راهبردهای بقا و تداوم فعالیت های اقتصادی غیررسمی توسط فعالان درگیر در مناسبات اقتصاد مرزی با جزئیات بیشتر طرح خواهند شد.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله های مستخرج از داده های کیفی

مفاهیم	مقوله
انتخاب مسیرهای صعب العبور، عبور از جاده های فرعی، احداث راه های میانبر، استتار و حمل بار در شرایط سخت جوی	محیط طبیعی ابزارگریز
بهره گیری از مهارت های زبانی و کلامی، اعتماد به نفس بالا، ذکاوت، مهارت رانندگی، مظلوم نمایی، التماس / اصرار بیش از حد و قدرت بدنی بالا	اتکا به مهارت ها و توانمندی های شخصی
اقدام گروهی، مساعدت مالی همدیگر، استمداد از مردم عادی، جبران ضرر و زیان یکدیگر، دلجویی و حمایت های روحی روانی، صداقت و مردانگی	حمایت و همبستگی گروهی
استفاده از بی سیم، به کارگیری فناوری های جدید ارتباطی، تقویت وسیله نقلیه، تغییر موتور ماشین، تغییر قطعات خودرو، ایجاد دود غلیظ از طریق آگزوز ماشین.	نوآوری و خلاقیت

ادامه جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از داده‌های کیفی

مفهوم	مقوله
جاسازی و پنهان کردن کالا، اسکورت، فرار از دست مأموران، فریبکاری/ نقش بازی کردن، احتیاط، پوشش شیک و آراسته، لاپوشانی، انتخاب زمان مناسب برای حمل بار، تردد شبانه	کاربست ترفندهای راهبردی مخفی کاری
کسب اطلاعات دقیق، حصول اطمینان، نفوذ در میان مأموران، توافق با مأموران، پرداخت منظم رشوه، تقسیم سود با مأموران و تضمین قطعی	توافق / همدستی با مأموران
پیروی از قواعد سنتی در انتخاب کالا، پذیرش و مقبولیت کالا در جامعه، نرساندن ضرر و زیان به جامعه، تلاش برای کسب حلال، مراجعه به وجدان، رعایت اخلاق، رعایت ملاحظات شرعی و عرفی	مقبولیت/ مشروعیت اجتماعی فرهنگی کالا
دعا، وردخواندن، صدقه‌دادن، اعتقاد به خواب و رؤیا، توسل به خدا، پیغمبر و انبیا و استظهار به نشانه‌ها و نمادهای مذهبی، ایمان به قضا و قدر، پذیرش واقعیت، باور به سرنوشت	توسل ابزاری به باورهای دینی
انتخاب کالای خاص، تبعیت از ذائقه مشتری، سودجویی، نفع‌طلبی، مقرون‌به‌صرفه‌بودن، محاسبه هزینه و فایده	انتفاع و سودانگاری شخصی
مسدودکردن جاده و راه‌های ارتباطی فرعی، ایجاد مزاحمت و سد مقابل مأموران، پرتاب میخ‌های سه‌گوش، پرتاب شن و سنگریزه، تهدید مأموران، درگیرشدن با مأموران	مقاومت‌های قهری و توسل به خشونت

۱. محیط طبیعی ابزارگریز

ویژگی‌های طبیعی نواحی مرزی از جمله وجود کوه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها، راه‌های اصلی و فرعی بی‌شمار، همراه با تحولات آن‌سوی مرزها در مناطق کردنشین در یکی دو دهه اخیر، فرصت‌ها و شرایط ویژه‌ای را برای ساکنان مهیا ساخته که از طریق آن‌ها، امکان مقابله با تهدیدها میسر می‌شود. ساکنان نواحی مرزی با شناخت انواع راه‌ها و مسیرهای فرعی و میانبر و تسلط بر فضای محیطی مناطق، معمولاً تا حد امکان مطمئن‌ترین مسیرها را برای نقل و انتقال کالاهای خود انتخاب می‌کنند. براین اساس، گرچه ویژگی‌های توپوگرافیک و ساختار طبیعی منطقه در برخی موارد محدودیت‌زا و مانع توسعه و آبادانی هستند، از بعضی جهات، فراهم‌کننده بسترهایی

برای کاهش مخاطرات فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی هستند. فرشاد جوان ۲۶ ساله در این زمینه چنین می‌گوید:

«اگر کسانی تو مکان‌های صاف و مسطح مشغول فعالیت باشند، از فواصل خیلی دور قابل‌رؤیتان و مأموره‌های انتظامی از طریق تفنگ‌های دوربین‌داری مثل قناسه می‌تونن به ماشین رو به‌آسانی هدف قرار بدن. اما تو این منطقه به دلیل ناهمواری‌های طبیعی و پستی و بلندی‌های زیاد، شرایط مساعدتری برای حمل مشروبات الکلی وجود داره. برای دولت و مأمورها کار سخت و هزینه‌بریه که بخوان همه این نقاط رو کنترل و مسدود کنن. همین شرایط طبیعی این منطقه‌ست که باعث رونق کار ما شده. اگر این شرایط نبود، شاید نمی‌تونستیم ایتقدر قدرت مانور داشته باشیم.»

جدول (۱-۱) ۲. اتکا به مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی

توانمندی فیزیکی و شخصی، تجارب زیسته، مهارت و تخصص از جمله موارد مهمی هستند که افراد را به انجام کنش‌های متفاوت ترغیب می‌کنند. اینکه کنشگر متناسب با موقعیت و فرصت‌هایی که با آن مواجه می‌شود چه نوع کنش یا رفتاری از خود بروز دهد، امر ساده‌ای نیست و برگرفته از تجارب زیسته و مهارت‌هایی است که در بافت اجتماعی-فرهنگی کسب می‌کند. رانندگی ماهرانه، کلام نافذ و... از جمله مهارت‌های کاربردی در این زمینه است. مشارکت‌کننده ۲۵ در این زمینه اظهار می‌دارد:

«راستش من از همون اول تو رانندگی مهارت فوق‌العاده‌ای داشتم و از دست‌فرمون خوبی بهره‌مند بودم. این مهارت من باعث شد چند نفر از افراد عمده‌فروش به من پیشنهاد حمل بار اون هم در ازای دریافت پول مناسب بدن. منم وقتی پیش خودم حساب‌کتاب کردم، دیدم هم مهارتش رو دارم، هم جرئتش و هم اینکه پول خوبی عاید می‌شه. همین قضیه باعث شد به این کار عادت کنم و الان هم هرچقدر تقلا می‌کنم نمی‌تونم ازش دست بکشم.»

۳. حمایت و همبستگی گروهی

حمایت گروهی و همکاری‌های متقابل میان اعضای یک گروه یکی از مهم‌ترین تقویت‌کننده‌هایی است که استمرار و تداوم کنش‌های فردی را در میدان‌های مختلف به دنبال دارد. انجام کنش‌های دسته‌جمعی (اقدام گروهی)، کمک‌های مالی به همدیگر، استمداد از مردم

عادی به هنگام خطر، حمایت و جبران ضرر و زیان یکدیگر، دلجویی و حمایت‌های روحی روانی از کسانی که دچار مصیبت شده‌اند و تأکید بر اعمال صادقانه و مردانگی در قبال اعضای گروه، شیوه‌های معمول و مرسوم هستند که مشارکت‌کنندگان از آن به‌عنوان منابعی برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در نواحی مرزی یاد می‌کنند. محمد شریف کولبر ۵۵ ساله چنین اشاره می‌کند:

«مدت زیادی که تو این منطقه کولبری می‌کنم. اگر بگم هر روز درد و مصیبتی در کمین ما هست، دروغ نگفتم. خطر مین، تیراندازی مأمورها، سقوط از کوه‌ها و درها، درد و رنج‌های بدنی و فیزیکی، مصیبت‌هایی هستند که هر روز ما رو تهدید می‌کنن. چه دوستان و نزدیکانی که در این مسیر فوت کرده‌ن و الان در جمع ما نیستن و کسانی که به‌علت جراحات جسمی خونه‌نشین شده‌ن. با وجود تمام این بدبختی‌ها، شکر خدا ما، اطرافیان و دوستانمون همیشه مراقب حال و روز هم‌دیگه هستیم و همین خودش جای شکر داره و به ما قوت قلب می‌ده.»

جدول (۲-۱) ۴. نوآوری و خلاقیت

مخاطره‌آمیز بودن فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی همواره فعالان درگیر در این عرصه را واداشته است که با بهره‌مندی از توانمندی‌های فکری و ذهنی، فنون جدیدی را برای پیشبرد اهداف خود به‌کار گیرند. اقتضای امنیت مالی (سالم‌رساندن کالا به مقصد) و جانی (سالم ماندن و حفظ جان در شرایط سخت و حاد) شرایطی را به آنان تحمیل می‌کند که همیشه و در هر حال از شگردهای نوینی بهره‌جویند. «منظور از خلاقیت و نوآوری، توانایی تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های متعدد، جدید و مناسب برای حل مسائل و مشکلات پیش‌رو است.» در همین رابطه، مشارکت‌کننده جوانی ۲۷ ساله که مدرک کاردانی نیز دارد و حدود هفت سال است در این عرصه مشغول به فعالیت است، می‌گوید:

۱-۲- «ما اغلب مواقع از مخزن روغن سوخته برای ایجاد دود چسبناک استفاده می‌کنیم. مخزن روغن سوخته معمولاً بین دو صندلی در داخل ماشین در کنار دست سرنشینان قرار می‌گیرد و با شیلنگ به آگزوز وصل می‌شود. وقتی مأمورها تعقیبمون می‌کنن، اگر احتمال بدیم ممکنه ما رو گیر بندازن، فلکه شیر رو باز می‌کنیم و در اثر ترکیب روغن سوخته با گرمای آگزوز، دود چسبناک و غلیظی اون هم با حجم زیادی کل منطقه پشت سر ماشین ما رو فرامی‌گیره. این کار عملاً قدرت دید ماشین مأموران نیروی انتظامی رو به صفر می‌رسونه و شیشه‌های جلو ماشین مأمورانی که قصد نزدیک شدن به ماشین‌های ما رو دارن، در اثر مواد پخش شده در هوا، از مواد چسبناک و دودزا پوشیده می‌شه. در نتیجه اون‌ها قادر به ادامه رانندگی نیستن و از این طریق از مخمصه فرار می‌کنیم.»

۵. کاربرد ترندهای راهبردی مخفی کاری

اکثر فعالان درگیر در تجارت غیررسمی پیش از اقدام به فعالیت (و حتی حین انجام فعالیت)، برای کاهش ریسک و خطرات احتمالی، شگردهای مخفی کارانه و پنهانی را در پیش می‌گیرند. اعمالی از جمله پنهان کردن برخی کالاها در پوشش کالاهای دیگر (لاپوشانی)، تعبیه جاسازهای خاص در برخی وسایل نقلیه، تغییر ظاهر (قیافه) و انتخاب پوشش خاص، نقش بازی کردن و فریب مأموران در موقعیت‌های گوناگون، تردد خارج از دید مأموران، انتقال کالاها با چراغ خاموش در مکان‌های تحت نظر در طول شب و همچنین انتخاب زمان‌های خاص (شرایط جوی سخت و طاقت‌فرسا مانند کولاک، یخبندان و برف و باران شدید) برای حمل بار از جمله ترندهای پنهان کارانه هستند که برای مقاصد خود در پیش می‌گیرند. احمد، جوان متأهل ۳۵ ساله، ترندهای مورد استفاده را این‌گونه بیان می‌دارد:

«گاهی برای اینکه آدم تابلو نشه و راحت بتونه به کارش ادامه بده، بایستی طوری رفتار کنه که مأموران کمتر بهش شک کنن. من معمولاً موقع جابه‌جایی بار لباس شیک می‌پوشم، از جاده‌ها و مسیرهای اصلی حرکت می‌کنم. معمولاً تا جایی که برام مقدور باشه قوانین رانندگی رو دقیقاً رعایت می‌کنم. برای اطمینان بیشتر از اسکورت استفاده می‌کنم. اگر مأموران به ما مشکوک شون، در کمال آرامش سعی می‌کنیم با پرداخت پول اون‌ها رو راضی کنیم.»

۶. مقبولیت / مشروعیت اجتماعی-فرهنگی کالا

صرف‌نظر از عده‌ای خاص که انتفاع شخصی و کسب سود به هر شکل ممکن سرلوحه کنش‌های اقتصادی‌شان است، اکثر ساکنان مناطق مرزی فعالیت‌های خود را براساس اصولی از جمله پیروی از قواعد سنتی در انتخاب کالا، پذیرش و مقبولیت کالا در جامعه، نرساندن ضرر و زیان به جامعه، تلاش برای کسب حلال، مراجعه به وجدان، رعایت اخلاق و رعایت ملاحظات شرعی و عرفی پی‌ریزی می‌کنند و حتی در شرایط حساس و ناخوشایند نیز بدان‌ها پایبند هستند. در این زمینه کیوان، جوان متأهل سی‌ساله، بر این باور است که:

«اگر بنا باشد من موادمخدر حمل کنم و دولت اصلاً جلو منو نگیره، احساس می‌کنم به لحاظ اخلاقی و وجدانی هیچ‌وقت ارزش اینو نداره که من جوون‌های کشور و منطقه خودمو بدیخت کنم. یعنی اون‌ها رو به خاک سیاه بنشونم که چی بشه؟ برای من درآمد داشته باشه؟ نعوذ بالله!! نه، نه، اصلاً!! خدا اون روز رو نیاره. من هیچ‌وقت پول رو به آبرو ترجیح نمی‌دم. اصلاً نمی‌تونم به خاطر پول، کسی رو بی‌خانمان کنم. درسته پول مهمه، ولی آخر نه به هر قیمتی.»

۷. توسل ابزاری به باورهای دینی

ساکنان نواحی مرزی و مناطق محروم با توجه به شرایط اقتصادی (اشتغال و درآمد)، اجتماعی (خدمات و زیرساخت‌ها) و فرهنگی (تحصیلات و آموزش) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. به همین دلیل در برابر انواع فشارها و نامالیقات، نوعی حس ناتوانی و درماندگی در میان آن‌ها غالب می‌شود و به‌ناچار برمبنای باورهای فرهنگی، عرفی و دینی نوعی رویکرد تقدیرگرایانه در پیش می‌گیرند و برمبنای این رویکرد به تفسیر و معنابخشی پدیده‌های پیرامون خود می‌پردازند. اتخاذ این نوع باورها موجب می‌شود تا با سعه صدر بیشتر و قدرت تحمل مضاعفی مصائب پیش‌رو را تحمل کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان، تقدیرگرایی حاکم بر زندگی مردمان منطقه را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«از زمانی که متولد شدم، زندگی ما همین‌ه که هست!! همه‌ش کار، سختی و خون دل خوردن! من که روز خوشی رو تو زندگی به یاد نمی‌آرم! انگار ناف ما رو با بدبختی بریدن. اگر

کولبری هم نکنم، مجبورم کارگری یا حمالی کنم. حداقلش اینه که درآمد این کار کمی بهتره.»

۸. انتفاع و سودانگاری شخصی

فضای بین‌الذنهانی کنشگران درگیر در اقتصاد غیررسمی بر این امر دلالت دارد که اتخاذ نگرش‌های مادی انگارانه و صرفاً اقتصادی ترفند دیگری است که پیامدهای آن از برخی جهات، خنثی‌سازی و کاهش رنج و مخاطرات خواهد بود. عده‌ای از فعالان این عرصه با انتخاب «عقلانیت راهبردی» (گزینش راه مناسب برای رسیدن به اهداف مشخص با اطلاع از پیامدهای مثبت و منفی عمل از نگاه کنشگر با در نظر گرفتن دیگران) در جست‌وجوی کسب اهداف و سود مناسب هستند. آن‌ها معمولاً استفاده از این روش‌ها را امن‌ترین و منطقی‌ترین شیوه‌ها برای تضمین و تداوم کار خود تفسیر و معنا می‌کنند. عده‌ای با تسلط بر اوضاع بازار، علائق مشتریان و مقرون‌به‌صرفه‌بودن نوع کالای انتخابی، فعالیت‌های اقتصادی خود را جهت می‌دهند. آنان بر این باورند که انتخاب نوع کالا امری اختیاری و وابسته به شخص نیست، بلکه تابع مجموعه عواملی مانند صنعت تبلیغات، ذائقه مشتریان و فرهنگ عمومی مصرف در بازار است. به عبارتی، ذائقه و سلیقه مشتریان همراه با مناسبات بازار است که تعیین می‌کند چه نوع کالاهایی و با چه حجمی روانه بازار شوند. در همین راستا مشارکت‌کننده ۱۵ اظهار می‌دارد:

«چون این کار ما با مشکلات و ریسک‌های بالایی همراه است، پس بایستی درآمدش نیز در حدی باشه که ارزش این همه خطر را داشته باشه. من مشروبات الکلی و موبایل را به این دلایل انتخاب کردم که اولاً در این زمینه تبخیر خاصی دارم؛ ثانیاً از این طریق می‌تونم درآمد بهتری کسب کنم؛ ثالثاً هدفم اینه که در مدت کوتاهی از لحاظ اقتصادی وضعیتم بهتر بشه و از این کار دست بکشم و زندگی بهتری برای خودم و خانواده‌م دست و پا کنم.»

۹. توافق / همدستی با مأموران

عدم پایبندی صریح به قوانین و تفاوت در نحوه رفتار و کردار برخی اشخاص، نیروها و مأموران ادارات و سازمان‌های دولتی ذی‌ربط کالاهای غیرقانونی (مرزبانی، نیروی انتظامی، دادگستری، سازمان تعزیرات و...) و کنش‌های اقتصادی غیررسمی در نواحی مرزی، این پدیده را به امری پیچیده و مبهم تبدیل کرده است. تفسیر ادراکات و نظام معانی کنشگران بر این امر دلالت دارد

که سیاست واحد و یکدستی نسبت به اقتصاد غیررسمی در نواحی مرزی و حتی (داخل مرزها) وجود ندارد و عملکرد مأموران و نیروهای قضایی و انتظامی نه تنها از الگوی قانونی واحدی پیروی نمی‌کند، بلکه در برخی موارد تابع سلايق و روابط شخصی است. همین موضوع سبب کاربرد راهبردهای متناسب با آن از سوی فعالان اقتصاد غیررسمی و قاچاقچیان شده است که گاه از خرید مأموران تا حتی خرید پاسگاه و کاهش جرائم و... را نیز شامل می‌شود. در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان نظرات خود را به شکل زیر بیان می‌کند:

«شما واقعاً فکر می‌کنید در این مملکت قانون رعایت می‌شه؟! باور کنید آگه اهل رشوه‌دادن باشی، جرمه صد میلیون رو به ده میلیون تبدیل می‌کنی. کسی که پولداره می‌تونه هر کاری رو انجام بده. اگر آدم ضعیفی باشی تو این کار در حقت خیلی ظلم می‌شه. بین ما به قاعده‌ای وجود داره به این معنا که هر وقت ماشینت رو بار زدی، بایستی داشبورد ماشینت پر از پول باشه. اگر این شرط رو نداشته باشی، خیلی زود فاتحه‌ت خونده‌ست. چون اگر گیر مأمورها افتادی، حالا حالاها نجات پیدا نمی‌کنی.»

۱۰. مقاومت‌های قهری و توسل به خشونت

اتخاذ شیوه‌های قهری و رفتارهای خشونت‌آمیز افراطی، آخرین نوع واکنشی است که فعالان عرصه فعالیت‌های تجاری غیرقانونی در نواحی مرزی بدان متوسل می‌شوند. کاربرد شیوه‌های خشونت‌آمیز دربرگیرنده طیف متنوعی از رفتارهای کم‌خطر (ایجاد مانع و سد مقابل مأموران توسط سایر رانندگان، برخورد فیزیکی و...) تا رفتارهای خشن و پرخطر (مانند رانندگی‌های جنون‌آمیز، کاربرد سلاح‌های سرد و گرم و امثال آن) را شامل می‌شوند. عبدالله ۲۸ ساله شیوه مقابله با خطرات را به این شکل توصیف می‌کند:

«ما قبل از حمل بار سعی می‌کنیم از امنیت مسیر مطمئن بشیم. معمولاً این کار از طریق هماهنگی قبلی با مأموران تا حد زیادی امکان‌پذیره. اگر در طول مسیر دچار مشکل شدیم و مأموران تعقیبمون کنن با پرت کردن میخ، ایجاد دود غلیظ، پرتاب شن و سنگریزه و حتی شاخ‌به‌شاخ شدن با ماشین اون‌ها سعی می‌کنیم فرار کنیم. اگر با وجود همه این کارها نتوانستیم از مخمصه نجات پیدا کنیم، سریع از ماشین پیاده می‌شیم و ماشین رو با بارش آتش می‌زنیم و پا به فرار می‌ذاریم. البته اگر پلاک ماشین واقعی باشه و دستکاریش نکرده باشیم. آخه آگه

بار رو مصادره کنن، ممکنه جریمه سنگینی به ما تحمیل بشه. پس اگر ماشین و بار رو آتیش بزنیم خیلی مقرون به صرفه تره.»

بحث و نتیجه گیری

ساکنان نواحی مرزی و فعالان درگیر در مناسبات اقتصاد غیررسمی به منظور تداوم فعالیت‌هایشان، با بهره‌مندی از منابع و امکانات پیش‌رو و فضای حاکم بر جامعه به انتخاب و به‌کارگیری مجموعه‌ای از شیوه‌ها، فنون و ترفندهای خاص اقدام می‌کنند که می‌توان از آن تحت انواع «استراتژی‌ها بقاء و تداوم فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در نواحی مرزی» نام برد. این ترفندها و روش‌های اتخاذ شده که محصول تجارب زیسته، شرایط اقتصادی-اجتماعی، ساختار طبیعی مناطق مرزی و منابع و امکانات در دسترس است، شانس‌ها و فرصت‌هایی را در اختیار کنشگران می‌نهد که پیامدهای احتمالی مخاطرات را حتی الامکان قابل تحمل و کم‌اثر می‌سازد.

ساختار طبیعی و ویژگی‌های توپوگرافیک نواحی مرزی غرب کشور گرچه از برخی جهات محدودیت‌آفرین هستند، فراهم‌کننده بسترها و فرصت‌های مناسبی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی نیز هستند. بر همین اساس، فعالان این عرصه تلاش می‌کنند از مواهب طبیعی و ویژگی‌های زیست‌محیطی بهره لازم را ببرند و از این طریق تداوم کنش‌های خود را تضمین کنند. «اتکا به مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی»، شیوه‌ای دیگر برای مبادرت به انجام کنش‌های مخاطره‌آمیز و کاهش آسیب‌های احتمالی آن است. مهارت‌های فردی، تجارب عینی و توانمندی‌های فیزیکی، پتانسیل و ظرفیت مناسبی برای عاملان اجتماعی فراهم می‌کنند که از طریق آن تبعات منفی و زیان‌بار مخاطرات کم‌رنگ می‌شود. مطابق با رویکرد والنث (۱۹۹۸) که با تأکید بر مؤلفه‌های حفاظت و تدارک، «نجات خود و دیگران» را یکی از راهبردهای بقا در نظر می‌گیرد، «حمایت از اعضای گروه و حفظ یکپارچگی گروهی» راهبرد دیگری است که کارکرد مهمی برای ساکنان نواحی مرزی و کنشگران اقتصاد غیررسمی دارد. حمایت‌های مالی، اجتماعی/روانی و پشتیبانی از اعضای گروه و حتی خانواده و بستگان هنگام وقوع مصیبت و مخاطرات، توان مضاعفی به افراد می‌بخشد و آرام و رنج‌های انباشته شده آنان را تسکین می‌دهد. گاهی به‌کارگیری روش‌های «خلاقانه و نوآورانه» بسترساز زمینه‌های ابداعی و نو برای ازسرگیری فعالیت‌هایی است که ممکن است با بن‌بست روبه‌رو شوند. «کاربست ترفندهای

راهبردی» یا روی آوردن به شیوه‌های فریبکارانه، ترفند دیگری است که هدف از آن، کاهش اصطکاک و عدم رویارویی مستقیم با مأموران است و مهم‌ترین پیامد آن تنش‌زدایی و تضمین انتقال کالا و بار با ریسک کمتر است. «توافق / همدستی با مأموران» شیوه مرسوم دیگری است که فعالان به‌عنوان یکی از مطمئن‌ترین ترفندها از آن نام می‌برند. این ترفند که بیانگر فساد اقتصادی در بخش‌های مختلف سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی مرتبط با فعالیت‌های تجاری غیررسمی است، بسترساز نفوذ فعالان و کنشگران این عرصه میان برخی از مأموران و کارکنان ارگان‌ها و ادارات وابسته با این فعالیت‌ها است که حاصل آن ایجاد قراردادهای و توافق‌های نوشته و نانوشته میان طرفین، حصول سودهای کلان و بازتولید کنش‌های اقتصادی غیرقانونی در سطح گسترده‌تر است.

«پایبندی به مقبولیت و مشروعیت اجتماعی / فرهنگی» کالاهای مورد معامله و التزام به هنجارهای مرسوم عرفی و اخلاقی در تجارت و مناسبات اقتصادی، شیوه دیگری است که برخی از کنشگران به‌رغم مشقات فراوان بدان اصرار می‌ورزند و به‌واسطه التزام به این هنجارهای فرهنگی هنگام بروز مشکلات، از اطرافیان توقع حمایت و همدلی و از مأموران دولتی و قضایی انتظار اغماض و چشم‌پوشی دارند. راهبرد دیگر تحمل رنج و مصائب، «توسل ایزاری به باورهای دینی» است که می‌توان آن را معادل راهبرد «سازگاری» (والنت، ۱۹۹۸) در نظر گرفت. این راهبرد که به تسلیم‌شدن و کنارآمدن در برابر شرایط طاقت‌فرسا اشاره دارد (سلی، ۱۹۷۳) منبعی مطمئن و الهام‌بخش است که قدرت مضاعفی برای پذیرش و نحوه مواجهه با مخاطرات به افراد می‌بخشد و از این طریق، کنارآمدن با وقایع و رخداد‌های ناگوار تسهیل می‌شود. همان‌طور که والنت (۱۹۹۸) اشاره می‌کند، گاهی افراد برای رسیدن به یک هدف به هر نوع کاری (راهبرد ادعا) مبادرت می‌ورزند. در میان فعالان دخیل در مناسبات اقتصاد غیررسمی، انتفاع و سودانگاری شخصی بدون توجه به ملاحظات اجتماعی / فرهنگی (و حتی اخلاقی) شیوه دیگری است که هرچند با عدم حصول اهداف مدنظر، مخاطرات و ریسک بالای را نصیب آنان کند، عواید مادی حاصل از این طریق می‌تواند تا حد زیادی تأمین‌کننده اهداف تعیین‌شده باشد.

«مقاومت‌های قهری و توسل به خشونت» آخرین رویه‌ای است که کنشگران براساس آن درصدد تحقق اهداف خود برمی‌آیند. اتخاذ این نوع راهبرد همسو با آرای نظری والنت (۱۹۹۸)

و کانن (۱۹۶۳: ۷) است که «جنگ و گریز» را به‌مثابه راهبردهای مهمی برای حفظ بقا و تداوم فعالیت در نظر می‌گیرند. فهم همدلانه و مطالعه فضای بین‌الذهانی فعالان درگیر در نقاط مرزی بیانگر این است که گرچه حتی‌الامکان اکثریت بر کنش‌های مسالمت‌آمیز اصرار می‌ورزند، گاهی فضا و موقعیت‌های ملتهب و تهدیدآمیز آن‌ها را به واکنش‌های قهری و خشن سوق می‌دهد.

در مجموع می‌توان استدلال کرد که تداوم و برقراری مناسبات اقتصادی غیررسمی در میان فعالان درگیر در این حوزه بدون در نظر گرفتن برخی اعمال و رویه‌ها امکان‌پذیر نیست. انتخاب این رویه‌ها همواره در بستری صورت می‌گیرد که از سوی ساکنان نواحی مرزی به‌عنوان شیوه خاصی درک می‌شوند. با گذر زمان، فعالان، فرایند تصمیم‌گیری و میانبرهای تصمیم‌گیری خود (روش‌های اکتشافی) را با توجه به محدودیت‌های فیزیولوژیکی و محیطی بهبود می‌بخشند و هنگامی که با حجم زیادی از اطلاعات، ناامنی زیاد و محدودیت‌های زمانی واقع‌گرایانه مواجه می‌شوند، بر پایه «قواعد سرانگشتی» ساده (ویلکنسون و کلائس، ۲۰۱۲) و مبتنی بر «عقلانیت رویه‌ای» (سایمون، ۱۹۸۷؛ آلمن، ۲۰۱۲) متناسب‌ترین کنش‌ها و واکنش‌ها را نسبت به مخاطرات پیش‌رو در پیش می‌گیرند و از این طریق میزان تاب‌آوری خود را ارتقا و به بقا و تداوم فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند.

پیشنهادها

- تغییر نگاه حاکمیت به مناطق پیرامونی (نواحی مرزی) و تخصیص بودجه مناسب برای رفع عقب‌ماندگی و توسعه این مناطق؛
- اختصاص سهم و درصد مشخصی از عواید حاصل از تجارت رسمی (صادرات و واردات کالا) در مناطق مرزی به ساکنان این مناطق برای ایجاد برنامه‌های اشتغال‌زایی و توسعه؛
- به‌کارگیری نیروهای متخصص، آموزش‌دیده و ماهر توسط مرزبانی و نیروی انتظامی در نقاط مرزی برای کنترل مرزها با هدف کاهش تنش‌ها و آسیب‌های احتمالی ناشی از خشونت و درگیری میان مأموران و کنشگران درگیر در فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی؛
- نظارت مستمر و دقیق بر نحوه عملکرد مأموران و کارکنان دستگاه‌های انتظامی و قضایی و اعمال مجازات‌های سختگیرانه هنگام اخذ هر نوع رشوه و تبانی با فعالان اقتصاد غیررسمی؛

- تلاش در راستای نهادینه کردن، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی درباره پیامدهای مخرب ملی، محلی و حتی فردی تجارت غیررسمی.

منابع

- احمدی، فریدون (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی اجتماعی - اقتصادی و امنیتی پدیده کولبری در استان کردستان، *فصلنامه دانش انتظامی کردستان*، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۱-۲۴.
- تیموری، عباد، رنایی، محسن و معرفی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۶). نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب: اقتصاد رفتاری، *آزمایشگاهی و علوم مغزی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره بیستم، شماره ۷۳، ۱-۴۳.
- ذکایی، محمدسعید و نوری، آرام (۱۳۹۴)، زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدارشناختی مرزنشینان شهر نوسود، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره ششم، شماره ۴، ۱۰۵-۱۲۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمدی، آرزو (۱۴۰۰)، درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره سی‌ودوم، شماره ۱، ۱۳۵-۱۵۴.
- عنبری، موسی و عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۹). برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)، *دوفصلنامه توسعه محلی (روستایی و شهری)*، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۱۵۳-۱۸۵.
- قادرزاده، امید، محمدپور، احمد و قادری، امید (۱۳۹۲)، تجارت مرزی و تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده، *مجله راهبرد فرهنگ*، دوره ششم، شماره ۲۲، ۶۱-۸۴.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *ضد روش: مبانی و اصول روش‌های کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمودی، ایوب (۱۴۰۰). تجربه زیسته ساکنان مناطق مرزی از مصائب حیات اجتماعی (مورد مطالعه: روستای هانی گرمه)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه کردستان.
- هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۳۹۹)، مرزنشینی، اقتصاد مرزی و ارتباط آن با آسیب‌های خانواده (مورد مطالعه: شهرهای مرزی بانه و مریوان)، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره بیستم، شماره ۷۷، ۱۴۱-۱۷۹.
- Altman, M. (2012). *Behavioral Economics for Dummies*, Mississauga: JohnWiley & Sons, Ltd.
- Engelen, B. (2007). *Rationality and Institutions: an Inquiry into the Normative Implications of Rational Choice Theory* (Doctoral Dissertation), Katholieke Universiteit Leuven. Retrieved from: <https://lirias.kuleuven.be/handle/1979/975>
- Foka-Kavalieraki, Y., & Hatzis, A. N. (2011). Rational after all: Toward an improved theory of rationality in economics. *Revue de philosophie économique*, 12(1).

- Jawando, J. O., Adeyemi, E. O., & Oguntola-Laguda, B. (2012). Survival strategies of women in informal cross border trade along Lagos-Seme border axis. *Global Journal of Human Social Science, Sociology, Economics & Political Science*, 12(9), 29-38.
- Simon, H. (1987). *Bounded Rationality*, in Utility and Probability. J. Eatwell, M. Milgate and P. Newman, Eds., New York: Norton, 1990, pp. 15-18.
- Strauss, A., & Corbin, J (1998). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*, second edition, thousand oaks, CA: Sage Publications Ltd.
- Tversky, A., & Fox, C. R. (1995). Weighing Risk and Uncertainty, *Psychological Review*, 102, 269-283.
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1974). Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases. *Science*, 185: 1124-1131.
- Valent, P. (1998). *From Survival to Fulfillment: A framework for the life-trauma dialectic*. Philadelphia: Brunner/Mazel.
- Wilkinson, N., & Klaes, M. (2012). *An introduction to behavioral economics*, Hampshire: Palgrave Macmillan.